

هلاز منتل-تار-را-ترور-میند-



در اواسط دهه هشتاد، قرار بود ماربرت تار نخست وزیر وقت برتانا از از مناطق لندن بازدهند. از اعضا «ارتش سر جمهور خواه ارلند» از ان ماجرا خیردار مشود. وارد آرتمان قهرمان داستان مشوده خال مردارر تأسسات است. آرتمان اش به طور مستقم به مدانه هتت رسم از آن مذشت اشراف داشت. تانه را از لانجره نشانه رفت و منتظر آمدن بانو فولاد ماند. بعد متوجه مشوم نه صاحب آرتمان از تار دستمه از نه مرده وارد آرتمانش شده و او را روان رفته ندارد. حالانه تار آن دو را به هم وند مدهد، حت آن زن آماده بود خود به جا او دست به ترور بزند. «برو و ادم بده» و من همین جانار نجره ممونم و تانه رو آماده نه مدارم

ارلند به او خبر مدهد ه او قصد دارد تار را تنها به خاطر مسئله ارلند بشد و برا زندانان ارلند ه دست به اعتصاب غذا زده اند و نه هر در. اما زن روان دلال در دارد. تار برا او زناست ه فقط ثروتمندان را دوست دارد. او آنها را مرستد، موجود نادان، تار اندش ه شاسته دلسوز است

ان زن هره برتانا را بدتر رد و بدبخت را همه جا اشت و حت عله شروان توطئه د و سرهر شهروند برتانا ماللات بست. آیا مستحق شتن نست؟ بدون «ش مستحقه». قهرمان داستان «ترور ماربرت تار» ان را با خودش ترار مرد و مصایه خانم تار مسببشان بود به اد مآورد

ان داستان اولن بار سال 1983 در روزنامه «اردن» برتانا و سس سال 2014 در مجموعه داستان با همین نام منتشر شد. اما برخ محافظه اران انون فقط همین داستان را به خاطر دارند بعد از انه هلاز منتل ندر روزش بخش سوم سه انه «توماس رول» را با عنوان «آنه و روشنا» منتشر رده خوانندان شم به راهش بودند و س از وقفه هشت ساله برا خردنش صف بستند

برخ محافظه اران هرند به طور خجالت زده خواستار محامه نوسنده شدند ه در اندشه ترور نخست وزیر بود. قانون با ان مسئله بر خورد مند ون «ارها به نتاند». همان طور ه مدانم هلاز منتل به قول معروف «نه ور» از خانم تار داشت، اما اثر ادب مسئله است در. به نظر مرسد جدا ددن نوسنده از اثر ادب اش همان برا برخ عقلها دشوار مآد. همانان ه مشهور است، بسار آثار به ددل درهم آمختن ب منطق مان ان دو نابود شدند و ادبات عرب مار از دهها نمونه از ان دست است از جمله رمان «اولاد حارتنا» به ها محله ما» نجب محفوظ تا «ولمة لاعشاب البحر/ خورا برا اهان درا» حدر حدر. خوشبختانه آثار ادب همشه از اسارت احام وته بنانه و وته بنان در مذرند؛ افراد حقه باشند ا مقامات رسم بر عس آن وقت آثار داستاوفسو و بودلر و فلویور و دالارنس و دهها فرد در به ما رسدند. بل، منتل از تار بدش مآد و دوست دارد سربه تنش نباشد اما با شتن رواذر اثر ادب خال و نه به طور واقع

مسئله در انه دام از ما به حذف دتاتورش از رو زمن فرمند با در نظر رفتن تفاوت بزر مان فر و عمل. رؤا روه رنج شدن و تبعیدان در طول تاریخ و از جمله ما، ترور جلادان شان بوده، اما تا از خواب بدار مشوم ا از دنا خال برون مآم، واقعت زمخت خودش را دوباره بر مرداند... همین معقولتش را

html.-----/fa/views/2020/03/19/